

حکم تکلیفی آلودن آب به قصد اضرار (بیوتروریسم)^۱

ناهید عقیفی دهقان^۲

چکیده

اضرار یا زیان رساندن و ضد نفع و ایراد نقص در چیزی می باشد. ترور هم به معنای ایجاد وحشت و رعب در میان مردم است. افساد خروج از حد اعتدال و متضاد با اصلاح به معنای معیوب کردن، ابطال و بی فائده ساختن و تباهی است. بیوتروریسم به معنای کشتار جمعی به وسیله مواد بیولوژیکی و زیستی است. این نوع آلودن که با قصد و از روی عدوان انجام می گیرد از دیدگاه اسلام حرام تلقی می شود. اضرار، آلودن و افساد همگی جزء مفاهیمی هستند که فقهای اسلامی نسبت به آنها احکامی را در کتب فقهی صادر کرده اند و در بیشتر موارد نسبت به موضوعات مختلف به لزوم ترک یا ارتکاب فتوا داده اند. در این میان نظام اجتماعی و حفظ این نظم اهمیت خاصی برای اسلام دارد و همین مانع از انجام اعمالی است که باعث برهم ریختن و اختلال در نظم اجتماعی می شود. اضرار و آلودن گاه ممکن است منجر به قتل نفس شده و گاه جرح را به دنبال دارد. در هر دو مورد حکم تکلیفی برگرفته از آیات حرمت می باشد. زشتی این عمل حتی در مورد غیر مسلمین و دشمن هم روشن است. علاوه بر اینکه ترور و قتل غافلگیرانه نیز نکوهش گشته است. غدر یا خیانت و مختل نمودن نظم عمومی جهان نیز دلائل دیگری بر تحریم برشمرده می شوند. بنابراین ترور و یا آلودن به قصد اضرار که عموماً منجر به قتل نفس محترم می شود مطابق با بسیاری از دلائل حرام است. با برداشت از این معانی و مفاهیم می توان هر نوع عملی که در مفهوم با آنچه گفته شد برابر باشد، نواهی و ادله منع کننده عقلی و نقلی را تطابق داده و حکم تحریم را از آنها استنباط نمود.

واژگان کلیدی: اضرار، افساد، بیوتروریسم، ترور، آلودن

^۱ تاریخ دریافت: ۳۰ دی ۱۴۰۰، تاریخ پذیرش: ۲۹ فروردین ۱۴۰۱.

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

با توجه به آیات قرآن و دلالت آنها بر حرمت افساد که به معنای تباهی و هر نوع آلودگی مادی و معنوی بود آلودن آب ها در صورتی که موجب زیان رساندن به محیط زیست شود، امری محذور و قبیح است. البته قیود و شرایطی نیز برای آن لازم است. در این میان می توان به مسئله دیگری نیز پرداخته و تا حدی دیدگاه اسلام را نسبت بدان یافت. بیوتروریسم یا آلودن به قصد اضرار از جمله مواردی است که مربوط به مسئله فوق بوده و در آن عنصری به نام عدوان وجود دارد. به عبارت دیگر آلودن عموماً گرچه عنصر عمد را در بردارد، ولی عمد به قصد اضرار نبوده و صرفاً ریختن فاضلاب و پساب ها با اختیار صورت می گرفت. در حالی که موضوع کنونی مربوط به افراد یا گروه هایی است که با قصد اضرار و آسیب رساندن به جامعه اقدام به این اعمال می کنند. به صورتی که عمد با قید عدوان و دشمنی همراه می شود.

طبعاً حکم تکلیفی و کیفری که در این گونه اعمال جاری و ساری است فراتر از موارد پیش گفته می باشد. به این صورت که حرمت در این موارد اغلظ و احکام کیفری نیز خواهد داشت. اگر بتوان اثبات نمود که فرد به دنبال تروریسم و ایجاد وحشت در جامعه می باشد برخی دلایل به صورت خاص و برخی دیگر عموماً شامل محل بحث می باشند. به این معنا که به صورت عام از کشتار و ایجاد بی امنی منع کرده اند و اختلال عمدی در نظم جامعه با توجه به آیات و روایات متعدد امری محکوم و دارای کیفر قلمداد شده است. تحقیقاتی که در این زمینه نگاشته شده اند بر تأثیر آن بر امنیت شهروندان، بررسی فقهی و حقوقی این موضوع، راهکارهای مقابله با آن، گونه شناسی، امنیت زیست محیطی، پدافند غیر عامل و دفاع و نحوه برخورد با این موضوع می باشد. این مقال با نگرشی خاص تنها به مبانی فقهی حرمت اینگونه اعمال خصوصاً در رابطه با آلودن آب می باشد.

پیشینه تحقیق

مقالاتی که در رابطه با بیوتروریسم در این زمینه نگاشته شده اند مربوط به تهدیدات بیولوژی کشورهای آمریکا و رژیم اشغالگر قدس توسط رضا اسکندری، راهبردهای نظام سیاستگذاری کیفری ایران و بین الملل در مقابله با تهدیدات امنیتی بیوتروریسم نوشته مجتبی واحدی، تک یاخته های ژئونوتیک منتقله از آب و مواد غذایی تهدیدی ناشناخته به عنوان عوامل بیولوژیک در بیوتروریسم نوشته ناصر حاجی پور، و جمال قره خانی، تروریسم زیست محیطی و تأثیر آن بر امنیت شهروندان نوشته سید هادی زرقانی، بررسی فقهی و حقوقی بیوتروریسم نوشته احمد مرادخانی و مدیریت بحران در مقابله با اقدامات بیوتروریستی مخازن آب شرب نوشته مهدی خواجه امیری، می باشند.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱ اضرار

اضرار بر وزن افعال از ریشه «ضرر» به معنای زیان و در مقابل نفع می باشد. گروهی از اهل لغت ضرر را در مقابل نفع و سود معنا کرده اند. البته معانی دیگری مانند جمع شدن چیزی و نیرو نیز برای آن بیان کرده اند. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۶۰).

ضرر در برخی از کتب اهل لغت به معنای سوء الحالی است که در نفس به خاطر کمبود دانش و عفت به وجود می آید. و یا در بدن به دلیل جراحت و نقصان و یا در حالت ظاهری انسان به دلیل اندک بودن مال و مقام حادث می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۰۳).

برخی نیز ضرر را با مفهوم نقصی که بر یک چیز وارد می شود برابر دانسته اند. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۲۹).

اضرار در باب افعال به معنای گزند رسانیدن، زیان رسانیدن و ضرر رساندن است این واژه به معنای هوو بر سر زن آوردن نیز آمده است. در فقه به هر گونه زیان رساندن به دیگری به ویژه با تصرف در اموال خود که به زیان دین دیگری منجر شود، اضرار می گویند. (طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳۶). اضرار به قصد دشمنی و یا همپراه عدوانی باشد، در شریعت اسلام برای آن کیفر مقرر شده است. ولی اگر تنها منتهی به زیان مادی و فاقد جنبه عدوانی باشد، ضرر رساننده مسئول زیان وارده بوده و باید آن را جبران کند اما اگر این اضرار در مقام دفاع از خویش صورت پذیرد در صورت وجود تناسب هیچگونه مسئولیتی را متوجه زیان رساننده نمی کند. (همان)

۱،۲ بیوتورویسم

این واژه مرکب از دو کلمه «بیو» به معنای حیات، زنده، جاندار و زیست و ترور می باشد. ترور به معنای ترس زیاد، بیم، هراس، خوف و وحشت و در اصطلاح سیاست، کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجا درعب و وحشت میان مردم است. ترور بیسم نیز روش کسانی که آدمکشی و تهدید مردم و ایجا دخوف و وحشت را به هر طریقی که باشد برای رسیدن به هدف های سیاسی خود از قبیل تغییر حکومت یا در دست گرفتن زمام امور لازم و مباح می دانند. (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۶۸). در تعریفی دیگر چنین آمده است که کاربرد غیر قانونی یا تهدید آمیز زور یا خشونت توسط شخصی یا گروهی سازمان یافته علیه مردم به قصد ایجاد وحشت یا براندازی حکومت که معمولاً دلائل عقیدتی یا سیاسی دارد. (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۷۱۸). این واژه لغتی فرانسوی (Terreur) است که به معنای ترس زیاد است. (معلم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۱۵). هراس، بیم از دیگر معانی این لغت در فرانسه اند. ترور بیسم نیز در این لغت به معنای وحشت افکنی آمده است. (غیائی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۴۴).

این واژه در اصطلاح یعنی عقیده به لزوم آدمکشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف های سیاسی و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به دسته دیگری است که مورد نظر می باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتیب مشابه می باشد. (علی بابائی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۷۸)

فتک و اغتیال افراد مهدورالدم که در حال جنگ با اسلام و مسلمانان و یا تدارک و حمایت از آن نباشند از نظر دینی امری قبیح و مورد نهی است. و در این جهت فرقی نمی کند که این افراد در محدوده کشور اسلامی باشند یا در خارج آن. (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۱۰۳)

ترور از دیدگاه فقهای شیعه امری محکوم به حرمت شناخته شده و در این میان هیچ قیدی وجود ندارد. (بهجت گیلانی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۴۴۶).

۱،۳ افساد (آلودن)

افساد از ریشه «فسد» در معانی مختلفی به کار رفته است که می توان از همه آنها برداشت های مشترکی را ارائه داد. الف) گروهی این واژه را خروج از حد اعتدال دانسته اند. راغب از جمله این دسته می باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۳۶). بنابر این معنا «افساد» با «اسراف» هم معنا خواهد بود. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۹).

ب) گروهی این کلمه را متضاد با صلاح دانسته اند. (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۱۹؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۱۸۷؛ فرهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۳۱).

ج) گروهی نیز آن را به معنای «جذب» به معنای معیوب کردن دانسته اند. (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۲۸۵). مثلاً فساد در آیه ۴۱ سوره روم از دیدگاه برخی از اهل لغت با مفهوم «جذب» در خشکی و قحطی در شهرهایی که کنار رودها می باشند، مترادف دانسته اند. (شرتونی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۲۴).

د) گروهی «افساد» را به ابطال معنا نموده اند. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۶۴). آنچه از بیان اهل لغت برداشت می گردد اینکه «فساد» تباهی مادی می باشد. گرچه استعمال این لفظ در مورد نظم عمومی و هرج مرج بیشتر می باشد.

ه) گروهی از لغویون عرب لفظ «فساد» را به معنای بی فائده و منفعت معنا نموده اند. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۲۱). (و) تباهی، خرابی، شرارت، فتنه، آشوب، بی ارزش شدن، ظلم و ستم، از سامان و نظام افتادن، قصد بد و زوال صورت ماده (انوری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۵۳۵۹) و پوسیدگی، فتنه و آشوب، لهو و لعب نیز جزء معانی افساد است. (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۸۸۱)

۲. دلایل حرمت بیوتروریسم (اضرار به واسطه آلودن آب)

۲.۱. دلایل خاص

۱.۲. آیات

در این میان می توان به آیاتی اشاره کرد که از کشتار انسان ها نهی کرده اند؛ این آیات علاوه بر اینکه در صدد بیان تحریم تکلیفی کشتار هستند، کیفر این جرم را قصاص دانسته اند.

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (النساء: ۹۳).

این آیه در صدد بیان حکم تکلیفی حرمت برای قاتل است. آیه ذیل نیز از این عمل نهی کرده است:

«لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (الانعام: ۱۵۱).

تشریح قصاص نیز بر قاتل نشان دهنده کیفری است که برای این عمل در نظر گرفته شده است:

«وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (البقرة: ۱۷۹).

طبیعی است فردی که عمداً و با علم به وجود زیان اقدام به آلودن آب ها نماید ضامن بوده و مستحق کیفر است. ضمان وی با قاعده تسبیب ثابت است ولی اقدام وی به دلیل قصد اضرار به فرد یا افراد کیفر را در پی دارد. دادن غذای مسموم به دیگری به قصد قتل وی، حفر چاه با هدف سقوط دیگری در چاه و مرگ وی و انداختن دیگری در قفس جانوری وحشی، (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۱-۵۱۳). از جمله مواردی است که در آنها قصاص ثابت است. فرض مذکور نیز از این قاعده مستثناء نیست.

به صورت یک استدلال به آیات فوق می توان گفت اضرار با عدوان و به صورت عمدی طبعاً اگر منجر به مرگ شود متعلق نهی موجود در آیات فوق بوده و بدیهی است این عمل حرام و ممنوع می باشد. آیات فوق قتل انسان ها را تنها در صورتی جایز دانسته اند که با حکمی شرعی همراه باشد.

۱.۲.۲. سنت

روایاتی که در این بخش بیان می شوند خود بر دو قسم هستند:

۱.۲.۲.۱. برخی دلالت بر تحریم قتل و کشتار دارند:

— عن عبد الله بن سنان عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا يدخل الجنة سافك الدم و لا شارب الخمر و لا مشاء بنميم.» (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۶۴).

— هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دماً حراماً و قال لا يوفق قاتل المؤمن متعمداً للتوبة أبداً.» (همو، همانجا).

۱، ۲، ۳. اجماع

استدلال به اجماع به این صورت است که فقهای شیعه بر تحریم قتل عمد و قصاص در آن اتفاق نظر دارند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳-۴). با اینکه این اجماع به دلیل مدرکی بودن اعتبار ندارد ولی به عنوان مؤید می تواند به کار برده شود.

۱، ۲، ۴. قواعد فقهی

۱، ۲، ۴. ۱. قاعده لاضرر

علمای اسلامی هر کدام به نوبه خود در مواردی به این قاعده استناد نموده و برخی موضوعات را محکوم به حرمت دانسته اند. استفاده از مفهوم این قاعده نسبت به موارد مختلف نشان دهنده وسعت آن می باشد. از روایاتی که اهل سنت قاعده فوق را از آن برداشت کرده اند، روایتی است که از ابی سعید الخدری روایت شده است: «آن رسول الله صلی الله علیه [وآله] و سلم قال: «لا ضرر و لا ضرار من ضار ضره الله و من شاق شق الله علیه.» (دارقطنی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۴).

در میان اهل سنت معنای روایت این است که فرد به خود و غیر ضرر نرساند. (شروانی، بی تا، ج ۹، ص ۲۶۸). برخی از فقهای مالکی در مورد معنای حدیث گفته اند: یعنی به کسی که به تو ضرری نرسانده ضرر نزنی و کاری بیش از آنچه دیگری با تو کرده انجام ندهی که ضار محسوب شوی. (ماردینی، بی تا، ص ۶۱۸).

مواردی که فقهای اهل سنت به این روایت بدان استناد کرده اند، بسیار است؛ نووی در مورد رعایت حق حیوان به همین روایت استدلال کرده است. (نووی، بی تا، ج ۴، ص ۳۹۰). نووی لزوم اجتناب ناظر از تصرف در مال یتیم را مستدل به این روایت می داند. (همو، همانجا، ج ۱۳، ص ۳۴۶). امان ندادن به جاسوس در جنگ نیز از دیگر مواردی است که در آن به این روایت استدلال شده است. (انصاری، ۱۵۱۸، ج ۲، ص ۳۰۷). حفر سرداب در زیر خیابان در صورتی که باعث زیان به عابران باشد، با استدلال به این روایت حرام معرفی گشته است. (شریبی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۳). اباحه استفاده از شوارع عمومی حتی برای استراحت و معامله مشروط به عدم مشقت و در مضیقه قرار گرفتن دیگران باشد. (همو، همانجا، ج ۲، ص ۳۶۹). از میان رفتن منفعت در صورت تقسیم عین میان شرکاء (همو، همانجا، ج ۴، ص ۴۲۰). حق شفعه (سرخی، ۱۴۰۶، ج ۲۵، ص ۱۲). اجازه فسخ عقد به زن در صورت وجود عنه در مرد (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۲۳). از جمله مواردی می باشند که علمای اهل سنت با استناد به حدیث لاضرر، حکم به حرمت و یا لزوم اجتناب کرده اند.

علمای شیعه نیز از حدیث فوق قاعده لاضرر را استنباط کرده و به واسطه آن حکم به حرمت و یا لزوم برخی امور کرده اند. پرداخت غرامت توسط صاحب گاوی که بر سر راه شتری بسته شده بود و با شاخ موجب مرگ شتر شده بود. (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۵۳۷). زیان آور بودن معامله برای خریدار در صورت جهل نسبت به غبن (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۷). ضرر روزه گرفتن برده در ایام معتدل مانند زمستان بدون اجازه ارباب مجاز شمرده شده است؛ چراکه ضرری به ارباب او نمی رسد. (همو، همانجا، ج ۶، ص ۲۱۸). منع از فسخ عقد بیع؛ بدین صورت که اگر مبیع دارای عیب باشد یا باید ارزش پرداخت شود و یا تمام مبیع بازگردانده شود؛ ولی بازگرداندن بخش معیوب جایز نیست. زیرا موجب اضرار به بایع است. (حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۳). عدم اشتغال ذمه مدیون نسبت به حفاظت از مالی که مالک از گرفتن مالش خودداری می کند. (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۹). عدم لزوم جدا کردن عضو پیوندی نجس العین از بدن هنگام نماز (همو، همانجا، ج ۳، ص ۴۰۵). عدم صحت روزه مریض در صورت وجود زیان برای او (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۸۵). عدم لزوم ترتیب در قضای نمازهای فائده (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۲). عدم ابطال حج در صورت خروج از مشعر الحرام قبل از طلوع فجر عمداً و با اختیار (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۴۴). جواز رجوع ملتقط به لقیط بعد از بلوغ برای بازپس گرفتن نفقه پرداختی به او (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۰۵). جواز فسخ عقد اجاره در صورت ضرر اندک و یا بسیار در ارتفاع از

عین(علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۸۰). عدم جواز خوردن سمومی که مقدار اندک آن کشنده نیست(علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۱). اضرار به جانوران از دیدگاه اسلام امری مطرود و قبیح شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۵۶۹) پس به طریق اولی باید اضرار به انسان ها جایز نباشد.

۱، ۲، ۴، ۲. قاعده حرمت غدر

یکی از دلائل حرمت اضرار به واسطه آلودن آب و بیوتوریسم که می توان از عموم آن استفاده حرمت نمود، ممنوعیت غدر و حلیه گری است. زیرا در آن نوعی سوء استفاده از غفلت برای از میان برداشتن وجود دارد و این بر خلاف منش بزرگی و بر خلاف جوانمردی است. «غدر» به معنای متضاد وفای به عهد است ولی استعمال آن در اموری مانند اغتیال و ترور نیز وجود دارد. این عمل از دیدگاه فقهای شیعه حرام دانسته شده است. (شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۵، ص ۱۴۹). برداشتن مال کافر به صورتی که او متوجه آن نشود جزء محرمات شمرده شده است. (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۲۱۲). دلیل این حرمت متلاشی شدن عقده های اعتماد در نظام اجتماعی شده و در نهایت موجب هرج و مرج می گردد. اختلال نظام نیز اساس هر شری است. (همو، همانجا). تحریم غدر و حلیه با کفار در امور متعددی توسط فقها بیان گشته است. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۷). بنابراین شریعت اسلام رضایتی به اغتیال (ترور از روی غفلت) ندارد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۹۹).

حلیه گری که یکی از مصادیق آن استفاده از غفلت طرف مقابل -هرچند دشمن- امری نکوهیده است. اگر این گونه اعمال از دیدگاه شرع مطرود باشد طبعاً تروریسم زیستی نیز به طریق اولی باید محکوم به حرمت باشد. بدیهی است ترور و اضرار به جان افراد با هر طریقی که باشد هم حرام خواهد بود. اگر در مورد کافر اینگونه باشد به طریق اولی در مورد مسلمان محکوم به حرمت است. نکوهش این اعمال در روایات نیز مورد توجه واقع شده است:

قال أمير المؤمنين عليه السلام: «ثلاث هن شين الدين: الفجور، و الغدر، و الخيانة» (شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۵، ص ۱۴۹).
قال أمير المومنين عليه السلام: «لو لا أن المكر و الخديعة في النار لكنت أمكر الناس» (همو، همانجا، ج ۳، ص ۳۷۰).

۱، ۲، ۴، ۳. قاعده حرمت اختلال نظام

هر کس که اندک آشنایی با معارف اسلامی خصوصاً فقه داشته باشد به این نکته اذعان خواهد نمود که اسلام دینی است که در پی بیان قوانین جهانشمول انسانی در ابعاد فردی و اجتماعی است. با تأملی اندک در این فرامین و دستورات به این نکته می توان پی برد که خداوند متعال در پی ایجاد نظم در محیط زندگی بشر برای زمینه سازی هر چه بهتر رسیدن به کمال می باشد. ناگفته پیداست که عالم هستی بر نظم بنا گشته که خود نشان از مدبری علیم و قادر دارد. آیات قرآن بر نظامی احسن تأکید دارند که در آن هیچ اختلافی دیده نمی شود:

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (الملك: ۳).

تمام خلقت در نظمی ویژه آفریده شده اند:

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (السجدة: ۷).

این نظام احسن نیازمند رعایت برخی امور از طرف خود مخلوقات است. به این ترتیب که مخلوقات در حرکات ارادی خویش ناچار از رعایت ترتیبیاتی می باشند که در این عالم وجود دارد. در صورت تجاوز از حدودی که عقل و شرع معین کرده اند طبعاً نظام طبیعی نیز دچار خلل خواهد گشت.

«إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (الطلاق: ۳).

«وَ فِجْرْنَا الْأَرْضَ عَيْبُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (القمر: ۱۲).

«وَ الَّذِي قَدَّرَ فِهْدَى» (الأعلى: ۳).

خداوند برای وجود و حیات نظامی خاص قرار داده که خروج از این نظام موجب فساد خواهد بود. (شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۲). یکی از حقوق اجتماع بر فرد این شمرده شده که مرتکب عملی نشود که موجب اختلال در نظم و نظام اجتماعی گردد. (شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۶۴). «النظام بالكسر: الخیط الذی ينظم به اللؤلؤ. و يقال نظمت الخرز من باب ضرب: جمعته فی سلک و هو النظام» (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۱۷۶). نظام در لغت به معنای نخ‌ای است که مرواریدها را بدان به رشته در می‌آورند. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳). «نظمت الأمر فانتظم أى أقمته فاستقام. و هو علی نظام واحد أى علی نهج واحد غیر مختلف.» (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۱۷۶). «أصلُ يدلُّ علی تألیف شیءٍ و تألیفه.» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴۳). یکی از دلائل عصمت امام از دیدگاه علامه حلی بروز اختلال در نظام اجتماعی به دلیل وجود خطا و اشتباه مردمان است. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۹۵).

در کل حفظ نظام اجتماعی از واجبات مؤکد و اختلال در امور مسلمانان از امور مبعوض شمرده شده است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱۹). اسلام نیز اهتمام ویژه‌ای نسبت به این امور دارد. خواه نظام مادی یا معنوی. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۹۷). حدود نیز از جمله مواردی است که شارع مقدس به دلیل اجتناب از اختلال در نظام آنها را واجب گردانیده است. (گیلانی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۶).

از جمله اموری که فقهای شیعه مستند خود را در آنها اختلال نظام معرفی کرده اند لزوم عمل به ظواهر (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۹۴). اقامه حدود و قصاص بدست حاکم (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۲۷۳). علت لزوم قطع دست سارق (مرعشی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۱۰۳). گرفتن اجرت برای اموری مانند طبابت (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۸۲). جواز ازدواج با غیر مسلمان برای مرد مسلمان (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۱۵). حرمت احتکار (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۵). اصالة الصحة در افعال مسلمانان (بروجردی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۱۱۶). عقد نکاح (نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۶، ص ۱۳۵). لزوم قصاص (آشتیانی، ۱۴۲۵، ص ۲۳۵). عدم لزوم اعتقاد به عدالت فرد به صورتی که برخی در تعریف آن گفته اند بلکه ای است که مانع از ارتکاب گناه می‌شود. (بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۴۱). وجوب اکتساب و خرید و فروش (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۸). حرمت دروغ (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۲۱۳). بطلان نظریه تصویب (همو، همانجا).

این همه نمونه‌هایی از احکام فقهی است که فقهای شیعه علت حرمت را اختلال در نظام و نظم اجتماعی و فردی بیان نموده‌اند. اگر مختل نمودن این نظم موجب حرمت و ممنوعیت امور شود طبعاً موضوعیت یافته و خود به تنهایی دارای حکم تحریم خواهد شد. گرچه ملاک برای شناخت اختلال بی تردید بر عهده عرف و عقل بوده و نمی‌توان آن را امری شخصی قلمداد نمود. چه بسا اموری که برای فرد بما هو فرد اختلالی ایجاد نکند ولی زندگی اجتماعی را با خطر و اختلال روبه‌رو سازد. بیان این نکته نیز لازم است که مراد از زندگی اجتماعی تمام مؤلفه‌هایی است که در حیات دنیوی و معنوی آدمی نقش دارند. این مؤلفه‌ها از طرفی بعد مادی را در بر می‌گیرند مانند محیط زیست و معاملات و گاه امور معنوی را شامل می‌شود مانند امنیت که یک بعد آن امنیت روانی و روحی است.

آلودن آب به عنوان عنصری حیات بخش با خصوصیت طهارت و مطهریت آفریده و به آدمی عرضه شده است. آب شیرین از جمله لوازم ضروری برای ادامه زندگی در این دنیاست. طبعاً ایجاد آلودگی در آن موجب اختلال در نظم زندگی و حیات فردی و اجتماعی می‌شود. نظام جهان مادی وابسته به آب بوده و هیچ تردیدی در این نکته نیست. اختلال در توازن محیط زیست و نظم موجود در آن جایز نیست. این فتوا را می‌توان در عبارات برخی از معاصرین به صراحت دریافت. دلیل ایشان اختلال در نظم عمومی دنیا و زیان بسیاری است که به انسانها و جانوران و گیاهان می‌رسد. (شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۵). علاوه بر این ایشان به آیه ذیل استناد کرده‌اند:

«مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ» (الحجر: ۱۹).

بنابراین قاعده فوق‌الذکر هر نوع اختلال در نظم را که می‌تواند با آلودن آب ایجاد شود ممنوع خواهد نمود. البته چنانکه قبلاً نیز بیان شد باید به قدر متیقن اکتفاء شود. به این بیان که ملک شخصی از این قاعده مستثناء بوده و استفاده‌های مباح شرعی از آب نمی‌تواند مشمول حکم مذکور باشد.

۲.۲.۲. دلائل عام

حدود، قصاص، دیات از جمله احکام و قوانینی هستند که برای ایجاد نظم و امنیت مادی و معنوی وضع شده‌اند.

۲.۲.۲.۱. آیات

در این میان آیاتی که در صدد بیان حکم حدود الهی می‌باشند بهترین دلیل بر اهتمام دین اسلام بر ایجاد نظم در امنیت در جامعه می‌باشند. این آیات خود می‌توانند به دو قسمت تقسیم شوند:

۲.۲.۲.۲. آیاتی که حدود، قصاص و دیات را بیان داشته‌اند:

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (النور: ۲).

حد زنا یکی از حدودی است که تردیدی در لزوم اجرای آن در صورت اثبات وجود ندارد. (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۴۲۱).

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (المائدة: ۳۸).

یکی دیگر از مهمترین حدودی که برای ایجاد امنیت وضع شده، حد محاربه می‌باشد. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيسعون في الأرض فساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ كِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (المائدة: ۳۳).

قصاص (المائدة: ۴۵). و دیات (النساء: ۹۲). از دیگر مواردی است که برای رفع خصومات از طرفی و ایجاد نظم و امنیت روانی و جسمانی وضع شده‌اند.

۲.۲.۲.۳. آیاتی که افساد فی الارض را حرام دانسته‌اند:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (الاعراف: ۵۶).

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (البقرة: ۲۰۵).

این آیات بر حرمت افساد بر روی زمین دلالت دارند. طبیعی است یکی از مصادیق افساد، قتل و کشتار انسان‌ها بدون غرض شرعی و عقلی می‌باشد. حال این عمل با هر وسیله‌ای که انجام شود، افساد بر آن صدق می‌نماید. آلودن آب به قصد آسیب رساندن به فرد یا جمع هم از نظر لغت و هم اصطلاح شامل محل بحث است. اهلاك زراعت و نسل که در آیه بدان تصریح گشته در این مورد اتفاق افتاده و جای نقض و ابرام باقی نمی‌ماند. برخی از فقها با عنایت به همین آیه هلاک زراعت و نسل (حیوان یا انسان) را در دین اسلام حرام دانسته‌اند حال قبل از به دنیا آمدن یا قبل از آن. (شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۴).

۲.۲.۲. سنت

در این بخش نیز همان دلائلی که در آیات بیان گردید، مطرح می‌شود. به این ترتیب که سنت نیز با تأکید بر آیات قرآن احکامی را که در صدد ایجاد نظم و امنیت می‌باشند، تفسیر کرده‌اند.

این دلائل با عموم و اطلاق شامل محل بحث می‌شوند. به این بیان که هر اقدامی که با نیت کشتار و اضرار انجام گیرد و بر علیه امنیت فرد و اجتماع باشد از دیدگاه اسلام مردود بوده و دارای عقوبت معرفی شده است. آلودن آب با قصد

اضرار و کشتار فرد یا جمع از این قاعده استثناء نیست. به این معنا که اگر کسی اقدام به مسموم نمودن آنها نماید به حکم آیات شریفه و قواعد و اصول پذیرفته شده محکوم می باشد.

۳. نتیجه گیری

بیوتروریسم یا آلودن آب به قصد اضرار به دیگران یکی از صورت های ترور و وحشت افکنی و کشتار جمعی است که امروزه ممکن است در جنگ ها و یا به هر هدف دیگری انجام گیرد. دین اسلام در این رابطه احکامی کاملاً آشکار داشته و با عنایت به قواعد مسلم عقلی و نقلی این عمل را حرام و ممنوع می داند. حتی جهاد در اسلام با توجه به همین اصول بدون در نظر گرفتن قواعد انسانی مطرح نگشته است. بلکه اصل جوانمردی و اجتناب از اضرار به غیر نظامیان را سرلوحه خویش قرار داده است. قرآن کریم در محکمت خویش قتل نفس محترم را حرام و ممنوع دانسته و بر این نکته تأکید کرده که هر کس دیگری را بدون دلیل بکشد باید قصاص شود. از طرفی اسلام آلودن و افساد آب ها را به صورت مطلق امری قبیح دانسته است. روایات اسلامی ترور، افساد و آلودن را ممنوع می دانند. غدر به معنای حيله و نیرنگ، اضرار و اختلال نظام نیز جزء موضوعاتی هستند که محکوم به حرمت می باشند. آلودن و افساد اگر با قصد اضرار، فریب کاری و ترور همراه بوده و باعث اختلال نظام اجتماعی شود و مردم بی گناه را دچار وحشت نماید اموری قبیح و ممنوع می باشند.

فہرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر، الرسائل التسع، انتشارات زہیر - کنگرہ علامہ آشتیانی، (۱۴۲۵)، قم.
۳. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغۃ، (۱۴۰۴)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، قم.
۴. اسدی حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر، قواعد الأحکام فی معرفۃ الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، (۱۴۱۳)، قم.
۵. -----، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، (۱۴۱۰)، قم.
۶. -----، مختلف الشیعۃ فی أحكام الشریعۃ، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، (۱۴۱۳)، قم.
۷. -----، تذکرۃ الفقہاء، مؤسسۃ آل البیت علیہم السلام لاحیاء التراث، (۱۴۱۴)، قم.
۸. اصفہانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیۃ، (۱۴۱۲)، سورہ - لبنان.
۹. انصاری، زکریا بن محمد، فتح الوہاب، دار الکتب العلمیۃ، (۱۴۱۸)، بیروت.
۱۰. انوری، حسن، فرہنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، (۱۳۸۲)، تہران.
۱۱. بروجردی، آقا حسین طباطبائی، تبیان الصلاۃ، گنج عرفان للطباعۃ و النشر، (۱۴۲۶)، قم.
۱۲. بہبہانی، محمد باقر بن محمد اکمل، مصابیح الظلام، مؤسسۃ العلامۃ المجدد الوحید البہبہانی، (۱۴۲۴)، قم.
۱۳. بہجت گیلانی، محمد تقی، استفتاءات، دفتر حضرت آیۃ اللہ بہجت (۱۴۲۸)، قم.
۱۴. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، دار الصدیقۃ الشہیدۃ (۱۴۲۷)، قم.
۱۵. جوہری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغۃ و صحاح العربیۃ، دار العلم للمالیین، (۱۴۱۰)، بیروت.
۱۶. حلبی، ابن زہرہ، حمزۃ بن علی حسینی، غنیۃ النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، مؤسسہ امام صادق علیہ السلام (۱۴۱۷)، قم.
۱۷. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، (۱۴۱۰)، قم.
۱۸. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، دار الفکر المعاصر (۱۴۲۰)، بیروت.
۱۹. خمینی، شہید، سید مصطفی موسوی، مستند تحریر الوسیلۃ، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرہ (بی تا)، تہران.
۲۰. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع مؤسسہ اسماعیلیان (۱۴۰۵)، قم.
۲۱. دار قطنی، علی بن عمر، السنن، دار الکتب العلمیۃ (۱۴۱۷)، بیروت.
۲۲. رعینی، الخطاب، مواہب الجلیل، دار الکتب العلمیۃ (بی تا)، بیروت.
۲۳. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعۃ و النشر و التوزیع (۱۴۱۴)، بیروت.
۲۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، مہذب الأحکام، مؤسسہ المنار - دفتر حضرت آیۃ اللہ (۱۴۱۳)، قم.

۲۵. سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفة (۱۴۰۶)، بیروت.
۲۶. سعدی ابو جیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دار الفكر (۱۴۰۸)، دمشق.
۲۷. شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، دار احیاء التراث العربی (۱۳۷۷)، بیروت.
۲۸. شرتوتی خوری، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۱۴۰۳)، قم.
۲۹. شروانی، عبدالحمید، الحواشی، دار احیاء التراث العربی (بی تا)، بیروت.
۳۰. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه، المرور و آداب السفر، مؤسسه المجتبی (۱۴۲۱)، بیروت.
۳۱. -----، الفقه، البیئة، مؤسسه الوعی الإسلامی (۱۴۲۰)، بیروت.
۳۲. -----، الفقه، النظافة (بی تا)، بیجا.
۳۳. -----، من فقه الزهراء علیها السلام، رشید (۱۴۲۸)، قم.
۳۴. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، عالم الكتاب (۱۴۱۴)، بیروت.
۳۵. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام (۱۴۱۵)، قم.
۳۶. طاهری، محمد علی، انصاری، مسعود، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب فکر (۱۳۸۴)، تهران.
۳۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی (۱۴۱۶)، تهران.
۳۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة (۱۳۸۷)، تهران.
۳۹. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مجمع البحوث الإسلامیة (۱۴۱۲)، مشهد.
۴۰. علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس (۱۳۶۹)، تهران.
۴۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات امیرکبیر (۱۳۶۰)، تهران.
۴۲. غیائی، محمدتقی، فرهنگ دانشجو، نشر کلمه - نشر آماج (۱۳۷۸)، تهران.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، (۱۴۱۰)، قم.
۴۴. کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع، المكتبة الحبیبيّة، (۱۴۰۹)، پاکستان.
۴۵. گیلانی، شفتی، سید محمد باقر، مقاله فی تحقیق إقامة الحدود فی هذه الأعصار، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، (۱۴۲۷).
۴۶. گیلانی، نجفی، میرزا حبیب الله رشتی، کتاب القضاء، دار القرآن الکریم، (۱۴۰۱)، قم.
۴۷. مارذینی، علاء الدین، الجوهر النقی، دار الفكر، (بی تا)، بیروت.
۴۸. مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی، شرح الکافی، المكتبة الإسلامیة، (۱۳۸۲)، تهران.
۴۹. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، (۱۴۰۷)، قم.
۵۰. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، السرقه علی ضوء القرآن و السنة، انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیه الله مرعشی نجفی، (۱۴۲۴)، قم.
۵۱. معلم، مرتضی، فرهنگ کامل جدید فارسی - فرانسه، انتشارات امیر کبیر، (۱۳۶۲)، تهران.
۵۲. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسة، دار التیار الجدید - دار الجواد، (۱۴۲۱)، بیروت.
۵۳. مقدسی، عبدالله بن قدامه، المغنی، دار الكتاب العربی، (بی تا)، بیروت.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، الفتاوی الجدیدة، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، (۱۴۲۷)، قم.

۵۵. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، (بی تا)، قم.
۵۶. -----، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، (۱۴۲۱)، تهران.
۵۷. موسوی خویی، سید ابو القاسم، مبانی تکملة المنهاج، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، (۱۴۲۲)، قم.
۵۸. منتظری نجف آبادی، حسین علی، حکومت دینی و حقوق انسان، ارغوان دانش، (۱۴۲۹)، قم.
۵۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، (۱۴۰۴)، بیروت.
۶۰. نجفی، کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا، الفردوس الأعلى، دار أنوار الهدی، (۱۴۲۶)، قم.
۶۱. عنوی، یحیی بن شرف، المجموع فی شرح المهذب، دار الفکر، (بی تا)، بیروت.

Sentence of Polluting Water with an Intention of Harming Others (Bioterrorism)³

nahid dehghan afifi⁴

Abstract

Cause to sustain a loss, is haram and against the benefit and causing a defect in something. Assassination also means creating fear and terror among the people. Perverseness is going beyond moderation and is contrary to reform, and it means to defect, annul and make useless and ruin. Bioterrorism means mass killing by biological materials. This type of pollution, which is done intentionally and aggressively, is considered haram from the Islamic point of view. Cause to sustain a loss, pollution and perverseness are all among the concepts for which Islamic Jurisprudence, have issued rulings in jurisprudential books, and in most cases, they have issued a fatwa, to quit or commit, on the various issues. Meanwhile, the social system order and the maintenance of this order are of special importance for Islam, and this is the obstacle to doing things that cause disruption of social order. Cause to sustain a loss and pollution can sometimes lead to murder and sometimes injury. In both cases, the ruling is taken from the verses of sanctity. The ugliness of this act is clear even executing them about non-Muslims and the enemies. In addition, assassination and surprise murder has also been condemned. Treason or betrayal and disturbing the public order of the world are other reasons for being forbidden. Therefore, assassination or pollution with the intention of harm, which usually leads to the murder of a person, is haram for many reasons. It can be understood from these meanings and concepts, for any kind of action that is equal to what has been said, adapting the rational and narrative prohibitive arguments can lead to haram ruling for them.

Keywords: Harming others, corrupt, bioterrorism, terror, polluting

³- Receive Date: 20 January 2022, Accept Date: 18 April 2022.

⁴- Assistant Professor and Faculty of Islamic Studies Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. nd.afifi@gmail.com